

توسعه مناطق آزاد تجاری در بستر نظام اقتصاد مقاومتی

(مطالعه موردی: منطقه چابهار)

عادل پیری سارمانلو^۱

چکیده

امروزه کشورهای متفاوتی اعم از توسعه یافته و در حال توسعه باتوجه به ویژگی مناطق آزاد تجاری صنعتی برای دستیابی به هدفهایی نظیر توسعه اقتصاد ملی، جذب سرمایه‌های خارجی، استفاده از برتری‌های نسبی، ایجاد فرصت‌های شغلی، تربیت نیروی انسانی، افزایش درآمدهای ناشی از فعالیت‌های خدماتی، افزایش کارایی اقتصاد ملی، توسعه منطقه‌ای و تبدیل بخش‌های عقب‌مانده به قطب‌های توسعه، اقدام به ایجاد مناطق آزاد تجاری صنعتی نموده‌اند. امروزه مناطق آزاد یکی از موثرترین و مهمترین ابزارهای توسعه، رشد و جذب سرمایه‌گذاری خارجی و همچنین جذب توریست به شمار می‌رود. اهمیت پژوهش حاضر در این است که، همانطور که در قلب سیاست جایگزینی واردات، حمایت از صنایع نوزاد بود، در قلب سیاست توسعه صادرات بحث ایجاد مناطق آزاد تولیدی و تجاری مطرح بود و ادعا می‌شد اگر چنین مناطقی ایجاد شود در بسیاری از کمپانی‌های خارجی انگیزه سرمایه‌گذاری در این مناطق ایجاد خواهد شد که به تبع آن، تکنولوژی جدید، اشتغال جدید و توان صادرات و ارزش از آن حاصل خواهد گردید که توسعه صنعتی کشور را به دنبال خواهد داشت؛ لذا مناطق آزاد تجاری مورد توجه قرار گرفتند. مطالعه حاضر به منظور بررسی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، مبانی نظری تجارت آزاد و اهداف شکل‌گیری آن و موانع راهکارهای توسعه منطقه آزاد چابهار اقدام نموده و سرانجام پیشنهاداتی کاربردی برای بهبود عملکرد این مناطق ارائه نموده است.

واژگان کلیدی: اقتصاد مقاومتی، منطقه آزاد، توسعه، منطقه آزاد چابهار.

^۱ کارشناسی مدیریت دولتی، کارمند آموزش و پرورش چالدران

مقدمه

مفاهیم و اصطلاحات

امروزه کشورها برای تأمین سرمایه و ایجاد زیرساخت‌های اساسی رشد و توسعه اقتصادی، کسب فناوری‌های نوین، ایجاد اشتغال و مواردی از این قبیل، ناگزیر از برنامه‌ریزی برای جلب و جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی هستند و ایجاد مناطق آزاد و ویژه اقتصادی یکی از مهمترین راهکارهای کشورهای مختلف دنیا در چند دهه اخیر برای نیل به این مهم بوده است.

یکی از راه‌های مطمئن برای کشورهای جهان سوم و در حال توسعه جهت آزمایش اقتصاد باز و پیوستن به تجارت جهانی، مناطق آزاد هستند. مناطق آزاد طبق تعریف سازمان بین‌المللی کار، مناطقی هستند که سبب جذب سرمایه، افزایش استخدام و افزایش صادرات و تبادلات ارزی می‌شوند، همانطوریکه ملاحظه می‌شود یکی از اهداف کلان کشورهای در حال توسعه در ایجاد مناطق آزاد، افزایش اشتغال صادرات است. در ضمن یکی از بزرگترین اهداف سرمایه‌گذاران خارجی در سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد استفاده از نیروی کار ارزان هست، به همین مناسبت بایستی نظام حقوقی این مناطق به گونه‌ای تدوین گردد که مصالح هر دوطرف رابطه حفظ شود. در نتیجه برای برقراری نظام حقوقی مناسب، حقوق کار در مناطق آزاد مطرح می‌گردد زیرا رسالت حقوق کار تنظیم رابطه حقوقی دوطرف رابطه کارگری و کارفرمایی هست به گونه‌ای که مصالح و منافع ضعیف‌ترین طرف رابطه کارگری و کارفرمایی حفظ شود.

۱- اقتصاد مقاومتی

نقطه شروع اقتصاد مقاومتی، سیاستگذاری برای اصلاح الگوی مصرف است. مصرف، تولید را جهت می‌دهد و این دو در کنار هم، جهت سرمایه‌گذاری را مشخص می‌کنند. رونق تولید داخلی و کاستن از وارداتی که می‌تواند به افول و کم‌رونقی و توقف واحدهای تولیدی داخلی منجر شود، استقلال اقتصادی، قطع وابستگی به خارج، ارتقای تکنولوژی در سطح کلان‌تر شکل می‌گیرد، البته باید به گونه‌ای عمل کرد که اقتصاد مقاومتی به معنای تحمیل فشار به مردم نباشد. همچنین، افزایش بهره‌وری در تولید، کاهش قیمت تمام شده تولیدات، کیفیت بهتر و خدمات بیشتر در رقابت با تولیدات خارجی و کاهش واردات، حمایت از تولید ملی به ویژه تولیدات استراتژیک، مدیریت و تنظیم واردات برای به حداقل رساندن نیاز کشور به ارز و حمایت از تولیدات داخل، هدایت سیل نقدینگی موجود به سمت اقتصاد مولد و حذف ریشه‌های سوداگری در اقتصاد، نظارت بر نحوه توزیع کالاها به ویژه کالاهای اساسی و ضروری، اتخاذ راهبرد انقباض بودجه و مدیریت هزینه در کشور با اولویت‌گذاری‌ها، کاهش مصرف‌گرایی و به تعویق انداختن پروژه‌های ناتمام با اولویت‌های پایین، داشتن بینش و نگرش مثبت به کسب‌وکار، ترجیحاً کسب‌وکارهای مولد نوآورانه جهت بهبود فضای کسب‌وکار و ایجاد محیط رقابتی با جلب مشارکت‌های مردمی و انحصارزدایی می‌باشد (اختری، ۱۳۹۲: ۱۴۷).



۲- منطقه آزاد

بنا به تعاریف بین‌المللی، منطقه آزاد محدوده حراست‌شده بندری و غیربندری است که از شمول برخی از مقررات جاری کشور متبوع خارج بوده و با بهره‌گیری از مزایایی نظیر معافیت‌های مالیاتی، بخشودگی سود و عوارض گمرکی، عدم وجود تشریفات زاید ارزی، اداری و مقررات دست و پاگیر و همچنین سهولت و تسریع در فرآیندهای صادرات و واردات با جذب سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال فناوری به توسعه سرزمین اصلی کمک می‌نماید.

در تعریف سازمان ملل متحد (یونیدو) از مناطق آزاد به عنوان «محرکه» در جهت تشویق صادرات صنعتی تلقی می‌گردد. همچنین در برداشت جدید از مناطق آزاد - که به منطقه آزاد پردازش صادرات معروف است - به ناحیه صنعتی ویژه‌ای در خارج از مرز گمرکی، که تولیداتش جهت‌گیری صادراتی دارند، گفته می‌شود. فلسفه این اصطلاح را می‌توان در تغییر استراتژی واردات به استراتژی توسعه صادرات دانست. همچنین مناطق ویژه تجاری صنعتی را می‌توان به صورت زیر تعریف کرد: «به محدوده جغرافیایی مشخص که قوانین گمرکی محدوده گمرکی کشور در آن اجرا نمی‌شود و به منظور تسهیل در امر واردات و صادرات کالا و حمایت از صنعت داخلی کشور و همچنین جذب فناوری‌های نوین در امر تولید و توسعه منطقه‌ای در مبادی گمرکات و نقاط مرزی کشور ایجاد می‌شود را مناطق ویژه تجاری - صنعتی می‌نامند.»

چندین تعریف برای مناطق آزاد تجاری وجود دارد که در آنها برای معرفی مناطق آزاد از واژه‌هایی همچون منطقه آزاد پردازش صادرات، منطقه تجارت خارجی و سایر واژه‌ها

استفاده می‌شود. با اینکه تعریف جامعی برای مناطق آزاد وجود ندارد، اما به نظر می‌رسد که تعریف بانک جهانی تعریف کاملتری باشد: «منطقه آزاد تجاری، قلمرو معینی است که غالباً در محدوده داخل یک بندر یا در مجاورت آن قرار گرفته و در آن تجارت آزاد با سایر نقاط جهان مجاز شناخته شده است» (زهنورد، ۱۳۸۹: ۱۲۳). چنانچه کالاها را می‌توان بدون پرداخت حقوق و عوارض گمرکی از این مناطق صادر کرد یا به این مناطق وارد نمود و آن‌ها را برای مدتی در انبار ذخیره و در صورت لزوم بسته‌بندی و مجدداً صادر کرد.

۳- توسعه

اصطلاح توسعه بصورت فراگیر پس از جنگ جهانی دوم مطرح شده است. واژه توسعه در لغت به معنای خروج از «لفاف» است. در قالب نظریه نوسازی، لفاف همان جامعه سنتی و فرهنگ و ارزش‌های مربوط به آن است که جوامع برای متجدد شدن باید از این مرحله سنتی خارج شود. در تعریف توسعه نکاتی را باید مدنظر داشت که مهمترین آنها عبارتند از اینکه اولاً توسعه را مقوله ارزشی تلقی کنیم، ثانیاً آن را جریان‌ی چندبعدی و پیچیده بدانیم، ثالثاً به ارتباط و نزدیکی آن با مفهوم بهبود توجه داشته باشیم (نوده فراهانی، ۱۳۹۴: ۳۶). در یک تعریف توسعه به بهبود، رشد و گسترش همه شرایط و ابعاد مادی و معنوی حیات اجتماعی را گویند که در رابطه بین دولت و ملت بوجود می‌آید و شرایط مناسبی را از امنیت، آزادی فردی، مشارکت سیاسی، رشد اقتصادی و رفاه مالی و غیره را مهیا می‌کند. باتوجه به گستردگی مفهوم توسعه، این مفهوم در شاخه‌های متعددی تقسیم‌بندی می‌شود که شامل توسعه

خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ (انفال/) هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها، آماده‌سازید». یکی از عرصه‌های هجوم دشمنان به نظام اسلامی، در دوره کنونی، عرصه اقتصادی است که می‌کوشند با استفاده از آن نظام اسلامی را از پا در بیاورند.

کلمه «قوه» در این آیه دارای معنای عامی است که همه نیروهای مادی و معنوی یک ملت را در برمی‌گیرد. در تفسیر نمونه پیرامون این کلمه چنین آمده است: این کلمه، نه تنها وسایل جنگی و سلاح‌های مدرن هر عصری را در بر می‌گیرد، بلکه تمام نیروها و قدرت‌هایی را که به نوعی از انواع در پیروزی بر دشمن اثر دارد را شامل می‌شود، اعم از نیروهای مادی و معنوی. بنابراین از قدرت‌های اقتصادی، فرهنگی و سیاسی، که آنها نیز در مفهوم «قوه» مندرج هستند و نقش بسیار مؤثری در پیروزی بر دشمن دارند، نباید غفلت کرد. رهبر انقلاب درباره آمادگی و مقاوم بودن اقتصاد در برابر هجوم دشمن می‌فرماید: «وظیفه‌ی همه‌ی ما این است که سعی کنیم کشور را مستحکم، غیرقابل نفوذ، غیرقابل تأثیر از سوی دشمن، حفظ کنیم و نگه داریم؛ این یکی از اقتضائات اقتصاد مقاومتی است که ما مطرح کردیم. در اقتصاد مقاومتی، یک رکن اساسی و مهم، مقاوم بودن اقتصاد است» (نجفی و عباسی، ۱۳۹۰: ۲۷). اقتصاد باید مقاوم باشد؛ باید بتواند در مقابل آنچه که ممکن است در معرض توطئه‌ی دشمن قرار بگیرد، مقاومت کند.

ب) مدیریت مصرف

یکی دیگر از ارکان اقتصاد مقاومتی مدیریت مصرف است و مهمترین بحث در این زمینه دوری از اسراف و

اقتصادی، توسعه سیاسی، توسعه اجتماعی، توسعه فرهنگی و غیره است که مجموع اینها شاخص‌های یک جامعه توسعه‌یافته را تشکیل می‌دهد.

سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

در چند سال اخیر و با شدت یافتن تحریم‌های یکجانبه و غیرانسانی غرب علیه جمهوری اسلامی ایران با هدف متوقف کردن برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران، واژه‌ی جدید «اقتصاد مقاومتی» به ادبیات اقتصادی کشور اضافه و به فراخور حال و روز اقتصاد کشورمان مورد بحث قرار گرفته است. این واژه اولین بار در دیدار کارآفرینان با مقام معظم رهبری در شهریور سال ۱۳۸۹ مطرح گردید. در همین دیدار، رهبر انقلاب اقتصاد مقاومتی را معنا و مفهومی از کارآفرینی معرفی و برای نیاز اساسی کشور به کارآفرینی نیز دو دلیل فشار اقتصادی دشمنان و آمادگی کشور برای جهش را معرفی نمودند.

۱- ارکان اقتصاد مقاومتی

ارکانی که اقتصاد مقاومتی بر پایه آنها استوار شده و رهبر انقلاب بر آنها تأکید فراوان داشته‌اند عبارتند از: مقاوم بودن اقتصاد، استفاده از همه‌ی ظرفیت‌های دولتی و مردمی، حمایت از تولید ملی، مدیریت منابع ارزی و مدیریت مصرف از میان ارکان ذکرشده دو رکن مقاوم بودن اقتصاد و مدیریت مصرف را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف) مقاوم بودن اقتصاد

اسلام مسلمانان را دعوت می‌کند تا در برابر حمله‌های دشمن همواره آماده باشند و همه توان خود را برای آمادگی و تجهیز در برابر حمله‌های دشمن صرف نمایند، لذا



کارایی بیشتری دارد، تخصص یابد و مازاد کالای تولیدی خود را با کالایی که در تولید آن کارایی ندارد، مبادله کند، تولید کل هر دو کالا در جهان افزایش خواهد یافت. این اضافه تولید را کشورهای طرف تجارت بین یکدیگر تقسیم می‌کنند. این در واقع تعمیم منافع حاصل از تقسیم کار (و مبادله) در سطح مناسبات بین‌المللی است. چنانچه دولت دخالت نمی‌کرد یا اقتصاد آزاد بود (لطیفی و امین‌آقایی، ۱۳۸۵: ۹۶). همچنین تجارت بین‌الملل نیز آزاد می‌بود، منافع حاصل از تجارت به حداکثر می‌رسید؛ لذا به نظر می‌رسد که وضع محدودیت‌ها در برابر جریان آزاد کالاها و خدمات و عوامل تولید بین کشورها، با این هدف مغایر است؛ ولی در عمل همه کشورهای جهان محدودیت‌هایی را بر جریان تجارت بین‌الملل اعمال می‌کنند. این محدودیت‌ها همواره براساس رفاه ملی توجیه می‌شوند. در واقع این محدودیت‌ها برای حمایت از صنایع و کارگرانی که از واردات صدمه می‌بینند، وضع می‌شود. از بحث کلاسیک‌ها این طور به نظر می‌رسد که تجارت آزاد از خودکفایی اقتصادی برای هر کشور و بنابراین برای جهان بهتر است. با این حال تجارت آزاد شرط لازم برای حداکثر کردن رفاه جهان است اما شرط کافی نیست، چرا که توزیع درآمد میان مردم و نیز کشورها مهم است و باید در نظر گرفته شود. به طور کلی دو دیدگاه و نظریه درباره تجارت آزاد بین‌المللی وجود دارد: دیدگاه بین‌المللی و دیدگاه منطقه‌ای (ناظمیان و اسلامی فر، ۱۳۸۹: ۶۴). دیدگاه بین‌المللی به کنفرانس‌های بین‌المللی تحت نظارت موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت (گات) توجه دارد و از طریق انجام مذاکرات بین‌المللی از قبیل مذاکرات دور توکیو و دور اورگوئه درصد کاهش عوارض گمرکی و از

ریخت‌وپاش است. در قرآن و روایات، مسلمانان از هرگونه اسراف منع شده‌اند. خدای متعال ضمن منع از هرگونه اسراف چنین افرادی را به عنوان برادران شیطان معرفی کرده «وَلَا تَبْذِرْ تَبْذِيرًا * إِنَّ الْمُبْذِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ (اسراء/۲۷-۲۶) و هرگز اسراف و تبذیر مکن، چرا که تبذیرکنندگان، برادران شیاطینند». و آنها را اصحاب آتش خطاب می‌کند. در روایات نیز به برخی از آثار سوء اسراف اشاره شده که از جمله آنها فقر و تنگدستی است. یک ملت اهل اسراف و زیاده‌روی، تضعیف شده و محتاج به دشمن می‌شود، ضمن اینکه با کوچکترین تحریمی شاکله اقتصادی آنها از هم می‌پاشد و استقلال خود را از دست می‌دهند. امام صادق (ع) می‌فرماید: «إِنَّ السَّرْفَ يُوْرِثُ الْفَقْرَ وَإِنَّ الْقَصْدَ يُوْرِثُ الْغِنَى؛ اسراف باعث فقر و میانه‌روی موجب بی‌نیازی می‌شود». از دیدگاه مقام رهبری یکی از مهمترین بخش‌های اقتصاد مقاومتی مدیریت مصرف و دوری از اسراف توسط مردم و مسئولین است که هم نیاز به فرهنگ‌سازی دارد و هم نیاز به اقدام عملی. ایشان می‌فرماید: «یک مسئله در اقتصاد مقاومتی، مدیریت مصرف است، این قضیه‌ی اسراف و زیاده‌روی، قضیه‌ی مهمی در کشور است. چگونه باید جلوی اسراف را گرفت؟ برای این کار هم فرهنگ‌سازی لازم است، هم اقدام عملی.

مبانی نظری تجارت آزاد و اهداف شکل‌گیری

مناطق آزاد

۱- مبانی نظری تجارت آزاد

اقتصاددانان کلاسیک مانند آدام اسمیت معتقد بودند که تجارت آزاد بین‌المللی نیز رفاه جهان را حداکثر می‌کند. اسمیت معتقد بود اگر هر کشور در تولید کالایی که در آن

۳- آسیب‌های فعلی مناطق آزاد

با توجه به آمار ارائه شده از مناطق آزاد کشور و اهداف ایجاد آن‌ها، این مناطق با مشکلات و چالش‌های بسیاری روبرو می‌باشند و به بسیاری از اهداف خود نرسیده‌اند. در بخش صادرات، مناطق آزاد کشور با مشکلاتی جدی مواجه می‌باشند. به طوری که این مناطق به پایگاه‌هایی برای ورود کالا به کشور تبدیل شده‌اند. قسمت اعظم مواد اولیه و قطعات نیمه ساخته شده صنایع مستقر در مناطق آزاد، وارداتی هستند. از سوی دیگر، صنایع داخلی نیز دارای ساختاری وابسته می‌باشد، بدین لحاظ نمی‌توان خالص صادرات چندانی را از مناطق آزاد انتظار داشت، مضافاً بر اینکه عملکرد فعلی مناطق، عمدتاً بر فعالیت‌های تجاری تکیه دارد. همچنین در زمینه اشتغال نیز مناطق آزاد کشور نتوانسته‌اند به اهداف موردنظر خود دست یابند. بیشترین فعالیت در مناطق آزاد، بخش خدماتی می‌باشد. استفاده از صنایع سرمایه‌بر که میزان اشتغال‌زایی آن‌ها کم‌تر است، پایین بودن دستمزد برای کارگران عادی و همچنین بالا بودن سطح دستمزدهای کارگر فنی به دلیل مهاجرت کم آنها که باعث به وجود آمدن تفاوت در سطح درآمد بخش صنعت و خدمات شده است، از دیگر عوامل شکست سیاست‌های اشتغال‌زایی در مناطق آزاد می‌باشد.

بنابر برخی از نظرات، تاکنون هیچ یک از مناطق آزاد کشور به اهداف خویش (مانند توسعه صادرات غیرنفتی) دست نیافته بلکه عمدتاً به واردات کالاهای لوکس و غیرضروری، به داخل کشور محدود شده‌اند. علت این عدم توفیق را می‌توان فقدان مقررات و قوانین روشن جهت فعالیت این‌گونه مناطق دانست. یک منطقه آزاد که به وجود می‌آید

بین بردن سایر موانع تجاری در جهت تحقق تجارت آزاد در جهان است. دیدگاه منطقه‌ای به توافق میان کشورها تأکید داشته و هدف آن نیز آزادی تجارت میان کشورهای منطقه با حفظ موانع گمرکی برای سایر کشورهای جهان است. این دیدگاه در چارچوب اجتماع کشورها تحت عنوان، ۱- اتحادیه تجارت ترجیحی؛ ۲- منطقه آزاد تجاری؛ ۳- اتحادیه گمرکی؛ ۴- بازار مشترک؛ ۵- اتحادیه اقتصادی تحقق پیدا می‌کند.

۲- اهداف تشکیل مناطق آزاد در کشور

به‌طور کلی اهداف و فلسفه شکل‌گیری مناطق ویژه در جهان را به صورت زیر بیان می‌کنند:

جذب سرمایه‌های خارجی؛

ایجاد فرصت‌های شغلی جدید؛

کسب درآمد ارزی و افزایش صادرات؛

دستیابی به فناوری پیشرفته؛

جذب نقدینگی سرگردان داخلی و کمک به مهار تورم؛

محرومیت‌زدائی از مناطقی که امکان رشد و توسعه بالقوه را دارند (صنوبر، ۱۳۹۰: ۱۲).

از سوی دیگر ماده ۱ قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری- صنعتی جمهوری اسلامی ایران مصوبه مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۷۲/۰۶/۲۱، اهداف تشکیل مناطق آزاد تجاری- صنعتی را به شرح زیر بیان می‌کند:

«سرمایه‌گذاری و افزایش درآمد عمومی، ایجاد اشتغال سالم و مولد، تنظیم بازار کار و کالا، حضور فعال در بازارهای جهانی و منطقه‌ای، تولید و صادرات کالاهای صنعتی و تبدیلی و ارائه خدمات عمومی.»



موانع و راهکارهای توسعه منطقه آزاد چابهار

به رغم منابع و ذخایر فراوان طبیعی و چشم‌اندازهای بالقوه اقتصادی مناطق آزاد که آنها را به لحاظ این شاخص در رده ممتاز منطقه‌ای و جهانی قرار می‌دهد متأسفانه به دلیل حاکمیت نگاه دولتی طی سال‌های گذشته و امروز، موضع این مناطق به نوعی با بحث توسعه‌یافتگی ناشی از ورود سرمایه‌گذاری‌های مولد داخلی و خارجی و به نوعی مواجهه و پس‌زدگی سرمایه‌گذاری تبدیل شده است. بیش از ۱۵ سال از تأسیس و راه‌اندازی مناطق آزاد کشور می‌گذرد. در گذر این سال‌ها با وجود هزینه‌های انجام شده، هنوز زیرساخت‌ها و ابنیه لازم برای تعریف یک مدل آماده توسعه و سازمان‌یافته مطابق با استانداردهای بین‌المللی در دسترس نیست. این موضوع در کنار مواضع مبهم مدیریتی و متناسب نبودن سطح توانمندی عوامل اجرایی مستقر در مناطق آزاد که ناشی از فقدان تجارب اقتصادی و عدم باور توسعه‌پذیری پایدار از سوی آنان است باعث شده عوامل مذکور حتی در مذاکرات با سرمایه‌گذار داخلی و خارجی، کمتر جانب احتیاط و هوشمندی را رعایت کرده و انگیزه متقاضی سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد را تنزل می‌دهند. با نگاهی به آمار بارزترین فعالیت‌های مولد اقتصادی در مناطق آزاد از جمله تولیدات صادراتی، ایجاد ارزش افزوده در تجارت و ترانزیت کالا، افزایش نرخ بهره‌وری درآمد ناشی از ارائه خدمات و تسهیلات و نرخ رشد صادرات و صادرات مجدد، که تماماً متأثر از توسعه پایدار و مستمر سرمایه‌گذاری هستند جملگی نشان دهنده عقب‌گرد شاخص‌های توسعه‌ای در این مناطق است.

باید بلافاصله ضوابط و مقررات و قوانین سرمایه‌گذاری، نحوه واگذاری یا اجاره زمین، میزان بخشودگی از مالیات یا عوارض گمرکی، نحوه ورود و خروج سرمایه، مقررات پولی و بانکی و ... در آن مناطق روشن شود، ولی متأسفانه با وجود گذشت چند سال از تشکیل مناطق آزاد، هنوز این مناطق فاقد قوانین لازم جهت سرمایه‌گذاری کلیدی و فعالیت‌های اقتصادی هستند و همین امر دلیل عمده عدم موفقیت مناطق آزاد است. همچنین به سبب نبود ابزارهای کنترلی، مناطق آزاد مورد سوء استفاده قاچاقچیان کالا قرار گرفته و بر مشکلات قبلی افزوده شده است. «در حال حاضر به دلیل وجود دو گمرک و نبود ابزارهای کنترلی لازم، مناطق آزاد به صورت یک پایگاه قاچاق کالا به داخل کشور تبدیل شده‌اند.»

هر چند مناطق آزاد ایران استعداد لازم جهت مرکزیت خاورمیانه را دارند، هنوز مجموعه فضای مناسبی جهت اجرای این مهم حاصل نشده است. به همین منظور باید مجموعه فضای مناسب نیز از تجمع و هماهنگی مجموعه ابزارهای نرم‌افزاری (کلیه قوانین و مقررات و امتیازها) و سخت‌افزاری (زیربنها، راه، آب، برق و ارتباطات) و محیط سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و اجماع باورها به دست آید. برای اجرای بهره‌برداری صحیح و مطلوب از سرزمین و مدیریت آن باید آمایش سرزمین مورد توجه قرار گیرد و ضوابط مکان‌یابی اعمال شود تا در آینده، جمهوری اسلامی ایران با مناطق آزاد جدید، موفق به اجرای اهداف مناطق آزاد گردد. براساس ضوابطی مکان‌یابی، هیچ یک از سه منطقه آزاد کیش، قشم و چابهار در اولویت برای این کار قرار نمی‌گیرند.

تجاری صنعتی چابهار منجر شد. نتایج مطالعات فوق که در سال ۱۳۷۱ منتشر یافته است و مجموعه اهداف استراتژی‌ها و سیاست‌های منطقه آزاد تجاری صنعتی در مطالعات مذکور با توجه به چهار عامل: محیط بین‌المللی، محیط ملی، محیط منطقه‌ای و تجربه جهانی مناطق آزاد تجاری صنعتی تعیین شد. افتتاح این منطقه در ۲۲ بهمن سال ۱۳۷۱ توسط ریاست محترم جمهوری وقت و فعالیت‌های اجرایی آن با ارسال مصوبه‌ای از سوی مجلس شورای اسلامی در شهریور ۱۳۷۲ عملاً آغاز گردیده است. در موفقیت یک منطقه آزاد عوامل متعدد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، قوانین و مقررات داخلی و مقررات داخلی و موقعیت مکانی دخالت دارند که به چند عامل به طور اختصار اشاره می‌شود.

الف) سازگاری هدف‌های منطقه آزاد با استراتژی اقتصاد ملی: هدف‌ها و راهبردهایی که برای ایجاد منطقه آزاد انتخاب می‌شوند باید کاملاً در راستای هدف‌ها و راهبردهای اقتصاد ملی قرار گیرند. چنانچه آمادگی لازم جهت پذیرش فلسفه وجودی منطقه آزاد در برنامه‌های ملی وجود نداشته باشد ایجاد این مناطق به تنهایی گره‌گشای مشکلات اقتصادی کشور نخواهد بود.

ب) صراحت‌های قانونی: قانون مناطق آزاد هر کشوری باید به طرز مشخص و صریح، ویژگی‌های نقش منطقه آزاد در توسعه ملی و منطقه‌ای و همچنین اهداف و وظایف و اختیارات آن را تبیین و روشن سازد و امتیازاتی را که برای تحقق اهداف تعیین شده و ایجاد انگیزه‌های تشویقی برای مؤسسات و شرکت‌های سرمایه‌گذار داخلی و خارجی در نظر گرفته است، و شرایط ورود و خروج سرمایه و نیروی

راهکار قابل انجام برای تحقق این مهم این است که دولت باید با یکپارچگی و عزم واقعی با جلب مشارکت بخش خصوصی، امور برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مناطق آزاد و ویژه اقتصادی را با توجه به جهت‌گیری‌های کلان تجاری و سرمایه‌گذاری که منتهی به توسعه پایدار اقتصادی این مناطق و کشور خواهد شد به وزارت بازرگانی واگذار کند تا از طریق این واگذاری، ایجاد تمرکز در مدیریت عالی مناطق مذکور، ساختارسازی نظام‌مند و سیاست‌گذاری‌های مربوط به آن در راستای اهداف کلان برنامه چهارم توسعه و سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ محقق شود. با توجه به آنچه گفته شد این مبحث به بررسی موانع توسعه منطقه آزاد چابهار پرداخته و برای برون‌رفت از وضعیت موجود راهکارهایی را ارائه نموده است که توجه به آن از نظر نگارنده می‌تواند برای توسعه منطقه مفید واقع شود (شاه‌بابای آشتیانی و حسینی، ۱۳۹۵: ۶۷).

اندیشه ایجاد منطقه آزاد چابهار برای نخستین بار توسط دفتر برنامه‌ریزی سازمان برنامه و بودجه استان سیستان و بلوچستان در چهارچوب نظری توسعه استان (زمینه مطالعات پایه سرزمینی در سال ۱۳۶۳)، مطرح گردید و سپس در طرح پایه آمایش سرزمین جمهوری اسلامی ایران مورد اشاره قرار گرفت. اما بطور مشخص در مطالعات توسعه‌محور شرق (مصوب سال ۱۳۶۴ هیأت دولت) و در راستای تلقی بخش بازرگانی به عنوان محور توسعه استان بود که بطور جدی بر طرح ایجاد منطقه آزاد تجاری در چابهار تأکید شده و کلیات آن ارائه گردیده است. سپس با همت «دفتر هماهنگی و پیگیری مصوبه و طرح‌های توسعه‌محور شرق» به انجام مطالعات راهبردی منطقه آزاد



پی‌درپی در سیاست‌ها موجب سلب اطمینان فعالان تجاری و سرمایه‌گذاران از این مناطق شده و هدف‌های موردنظر را با شکست مواجه می‌سازد (شاددل، ۱۳۸۶: ۲۱).

(و) **انتقال تکنولوژی و فرهنگ صنعتی:** امروزه تخصص تولیدی بیش از ابزار در مغزها جمع شده است و تقاضا برای نیروی انسانی متخصص، همراه با ضرورت عرضه خدمات با کیفیت بالا در منطقه آزاد - که سرعت، دقت، سهولت، اطمینان و کارآیی از اجزای تفکیک‌ناپذیر آن بشمار می‌رود - به اینگونه مغزها، تخصص‌ها و آموزشها نیاز دارد. متقابلاً منطقه آزاد با نیروهای متخصصی که تربیت می‌کند به نیاز اقتصاد ملی پاسخ می‌دهد.

(ز) **هماهنگی مجریان و مردم:** بروز اختلاف نظر بین مردم و مقامات دولتی یا مسئولین منطقه آزاد و وجود ناهماهنگی بین مسئولان اجرایی در انجام وظایف جاری، موجب توقف یا کندی کارها می‌شود.

(ح) **حمایت پیگیرانه دولت:** تقویت، پشتیبانی و حمایت مادی و معنوی از مناطق آزاد، به گونه‌ای پیوسته از سوی دولت و مسئولان اجرائی و کمک به پیشبرد اهداف اعلام شده، نقشی مهم در توسعه فعالیت‌های مناطق آزاد دارد.

(ط) **تبیین فضای باز کار و زندگی اجتماعی:** منطقه آزاد مکانی برای توسعه فعالیت‌های گوناگون اقتصادی در انطباق با شرایط مناسب طبیعی، اقلیمی و اجتماعی از طریق پیوند نیروهای داخل یا بازارهای بین‌المللی است (بک‌هیش، ۱۳۸۱: ۹۳).

در این صورت چگونگی برخورد و رفتار با اتباع بیگانه، به ویژه سرمایه‌گذارانی که مایل به فعالیت در این مناطق هستند و یا جهانگردانی که برای خرید یا تفریح به مناطق

کار را به وضوح بیان کند. هرگونه ابهامی در این زمینه‌ها تحقق اهداف از پیش تعیین شده را غیرممکن می‌سازد.

(ج) **دسترسی به تسهیلات زیربنایی و خدمات همگانی:** دسترسی به تسهیلات زیربنایی از مهمترین عوامل است که سرمایه‌گذار را به سوی منطقه آزاد جلب می‌کند. امکانات اولیه نظیر آب، برق، سوخت، تلفن، تلکس، ارتباطات راه دور، تسهیلات حمل و نقل در خشکی و آب، بندرگاه و اسکله‌های مناسب، خطوط ارتباطی (راه‌ها و فرودگاه‌ها) ساختمان اداری و مسکونی در استانداردهای پذیرفته شده از جمله شرایط ضروری جهت موفقیت منطقه آزاد به شمار می‌آیند. علاوه بر تأسیسات فیزیکی مذکور، ارائه خدمات به موقع بانکی و بیمه‌ای، کشتیرانی و تجاری، تسهیلات مسافرت هوایی، خدمات آموزشی و بهداشتی مناسب و امکانات تفریحی می‌توانند به گونه‌ای مثبت برای جلب سرمایه‌گذاران، بازرگانان و گردشگران به منطقه آزاد تأثیر گذارند.

(د) **سازمان اجرایی مناسب:** وجود نهادها و تشکیلات سازمانی با عملکرد منظم و منسجم از مهمترین شرایط پیشرفت امور بشمار می‌رود. بنابراین بکارگرفتن پرسنل آموزش دیده و آشنا به فرهنگ صنعتی - تجاری مدرن، وجود مدیران کارآمد همراه با ضوابط و مقررات صریح و روشن جهت اتخاذ تصمیمات سریع و روزمره نهایت اهمیت و اعتبار را دارد.

(ه) **ثبات سیاست‌های اقتصادی:** سیاست‌های اقتصادی و تصمیماتی که جهت جذب سرمایه‌های داخلی و خارجی و نیز جهانگردان و گردشگران به منطقه آزاد اتخاذ و رسماً اعلام می‌شود، باید پایدار و درازمدت باشد. تغییرات

خرد باید درک شود (بهبودی و امیری، ۱۳۸۹: ۹۵). در این مرحله عنصر فرهنگی و به ویژه تحقیق اجتماعی، می‌تواند نقشی مثبت و بسیار فعال ایفا کند و از طریق ارائه یک الگوی فرهنگی ویژه، بی‌آنکه این الگو لزوماً در تضاد با الگوی فرهنگی سیستم کلان قرار بگیرد در ایجاد توافق اجتماعی نسبت به درونی مناطق آزاد مؤثر بیافتد. با توجه به نتایج حاصل از صادرات و واردات منطقه آزاد چابهار و دیگر مناطق آزاد کشور به این نتیجه می‌رسیم که عدم دسترسی به اهداف صادراتی به دلیل بودن یا نبودن امکانات بالقوه و جغرافیایی این مناطق نیست. از طرف دیگر، پرداخت تسهیلات و اعتبارات، تابع سیاست‌های دولت است. در عین حال، نبود بندر با آب‌خور و تجهیزات بندری مناسب، به وضوح قابل مشاهده است.

با وجود اینکه سرمایه‌گذاری خارجی در مناطق آزاد ایران روندی بی‌ثبات دارد و مستلزم فراهم کردن تسهیلات و اعتبارات و برخورداری از مزیت‌ها و امکانات بالقوه است، اما به نظر نمی‌رسد منطقه آزاد چابهار با دارا بودن مزیت‌های بالقوه فراوان از این نظر مشکلی داشته باشد. به گفته سرمایه‌گذاران در منطقه آزاد چابهار، موضوع اجراء و تعیین ارزش افزوده و بی‌توجهی به آن، بزرگترین مانع بر سر راه توسعه کارخانجات این منطقه است. حقوق و عوارض گمرکی -مانند تمامی وارد کنندگان محصولات خام و ساخته شده- در سرزمین اصلی محاسبه می‌شوند و در این رابطه، هیچ امتیازی برای تولیدکنندگان منطقه آزاد در نظر گرفته نشده است. با توجه به موارد فوق، پیشنهادات زیر برای ارتقای جایگاه منطقه چابهار و سایر مناطق آزاد کشور ارائه می‌شوند:

آزاد می‌آیند می‌تواند الگوی مناسب یا بازدارنده در جهت همکاری‌های بین‌المللی در مجموع کشور تلقی شود. آزادی فعالیت در این مناطق در سطح قابل پذیرش و منطبق بر باورها و فرهنگ حاکم بر مناطق آزاد برای اتباع بیگانه ویژگی اصلی اینگونه مناطق به شمار می‌رود. بنابراین هرگونه دخالت یا ایجاد محدودیت ناشی از برنامه‌های اقتصادی دولت و تصمیم‌گیری‌های عوامل خارج از منطقه که بر وضعیت فعالیت‌های آزاد اتباع خارجی تأثیر منفی بگذارد، سبب تردید و احتیاط، سرمایه‌گذاران و جهانگردان شده و اساس طرح‌ریزی‌های منطقه آزاد را به زیر سؤال می‌برد. نکته مهم آن که اگر شرایط برای تأمین فضای یاد شده که شیوه زندگی اتباع خارجی را نیز شامل می‌شود، فراهم نباشد انتظار گسترش فعالیت‌های صنعتی - تجاری در منطقه آزاد معقول نخواهد بود.

از شرایط فرهنگی لازم برای موفقیت مناطق آزاد در حوزه وفاق فرهنگی متبلور می‌شود. وجود سیستم خردی چون یک منطقه آزاد باید مورد توافق اجتماعی مردم سرزمین اصلی، چه نخبگان و چه توده آنها باشد. برای رسیدن به چنین توافقی چندین شرط لازم است. بیش از هر چیز، باید نزد نخبگان درباره لزوم ایجاد چنین مقاطعی توافق وجود داشته باشد. رسیدن به این توافق از راه تشریح کارکرد و مکانیسم‌های چنین منطقه‌ای و همچنین با تدوین دقیق اهداف آن میسر است، و زمانی که به یک تدوین قانونی دست بیابیم قاعدتاً باید به چنین توافقی نیز رسیده باشیم. در حوزه توده مردم، پیش از آنکه مسأله لزوم چنین مناطقی مطرح باشد چگونگی کارکرد و مکانیسم درونی آنها و همچنین ضرورت تفکیک میان سیستم کلان و سیستم



می‌پردازیم. گروهی که در مناطق آزاد به آن برمی‌خوریم، جهانگردان خارجی هستند. درباره این گروه در مناطق آزاد تقریباً با همان مشکلات و مسائلی روبرو هستیم که در کل کشور وجود دارد. بطور کلی با توجه به مشکلات پس از دوران جنگ و لزوم بازسازی و همچنین به دلیل ویژگی‌های فرهنگی و ارزش‌های مقدس حاکم بر جامعه، در حال حاضر کشور آمادگی لازم برای پذیرایی از توریسم تفریحی را ندارد. آنچه اغلب مطرح می‌شود توریسم یا جهانگردی فرهنگی است، با توانایی جذب واقعی، اما محدود که موانع بوروکراتیک و سخت‌گیری‌های غیرمسئولانه می‌تواند ضربه سختی به آن وارد کند. از این گذشته جهانگردان فرهنگی بصورت طبیعی جذب نقاط سنتی، اماکن تاریخی و باستانی می‌شوند. در نتیجه مناطق آزاد از این لحاظ با موانع جدی روبرو هستند (الوانی و دهدشتی، ۱۳۷۳: ۶۳).

گروه دیگری که در ترکیب اجتماعی مناطق آزاد نقش نسبتاً زیادی در موفقیت آن مناطق دارند، بازرگانان اعم از ایرانی یا خارجی هستند. اگر تدابیری مانند تضمین‌های حقوقی و ثبات قانونی و همچنین زیربناها و تسهیلات مالی، ارتباطی بتوانند مشکلات موجود را از سر راه امنیت سرمایه‌گذاری بردارند، موانع فرهنگی در این حوزه نسبت به سایر موارد نقش بسیار کمتری ایفا می‌کنند. گروههای زیر می‌توانند در اولویت جذب قرار گیرند:

- ۱- سرمایه‌گذاران ایرانی مقیم داخل کشور؛
- ۲- سرمایه‌گذاران ایرانی مقیم خارج از کشور؛
- ۳- سرمایه‌گذاران خارجی کشورهایی با قرابت فرهنگی نسبت به ایران؛

(۱) به فعلیت رساندن امکانات بالقوه و معرفی آنها برای ترغیب سرمایه‌گذاران جهت حضور در این نواحی؛

(۲) مقایسه میزان تسهیلات و اعتبارات لازم با مقدار موجود و جبران کمبودها؛

(۳) واگذاری بندر چابهار به منطقه آزاد چابهار جهت استفاده مفید و توسعه بندر؛

(۴) تقویت زیرساخت‌های مهمی همچون حمل و نقل ریلی و جاده‌های زمینی ترانزیتی؛

(۵) ارتقای موقعیت فرمانطقه‌ای چابهار و جذب اتباع کشورهای همجوار با توجه به علایق مشترک منطقه‌ای؛

(۶) ایجاد زیرساخت‌های لازم برای رونق محور شرق با توجه به جایگاه راهبردی چابهار؛

(۷) اتصال چابهار به شبکه گاز از طریق خط انتقال گاز بندرعباس - ایرانشهر جهت فراهم کردن امنیت انرژی.

مزیت‌ها و تسهیلات ارائه شده توسط مسئولین چابهار با توجه به گسترش این مزیت‌ها در سایر مناطق آزاد جهان، نمی‌توانند انگیزه قابل توجهی برای جذب و حضور شرکت‌ها در این منطقه ایجاد کنند که باید تجدیدنظرهای لازم در مورد آنها صورت گیرد (کامران، ۱۳۸۱: ۸۴).

ترکیب اجتماعی و فرایند تحول

گروه‌های اجتماعی تشکیل دهنده جمعیت در مناطق آزاد بطور کلی عبارتند از: جمعیت محلی، مهاجران، جهانگردان داخلی (ایرانگردان)، جهانگردان خارجی و بازرگانان. هریک از این گروه‌ها دارای روند تحول خاصی هستند. پرداختن به مسائل جمعیت بومی و مهاجران به منطقه آزاد از موضوع بحث این مقاله خارج است، لذا بطور اختصار به مسائل گروه‌های توریستی و جهانگردان داخلی و خارجی

نقش مناطق آزاد در توسعه اقتصادی با تأکید بر اقتصاد مقاومتی

در تقسیم‌بندی‌های بین‌المللی به طور کلی کشورها به دو دسته تقسیم می‌شوند، یک دسته کشورهایی که توسعه یافته‌اند و دسته دوم کشورهای در حال توسعه با درجات مختلفی از توسعه نیافتگی، تفاوت اساسی دو گروه یاد شده این است که کشورهای توسعه یافته، کشورهای هستند که انقلاب صنعتی را با موفقیت پشت سر گذاشته‌اند و به تبع چنین تحولی ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی آنان نیز متحول شده است. اما کشورهای در حال توسعه به علل و عوامل مختلف تاریخی و مشکلات جاری نتوانسته‌اند تحولات صنعتی به اصطلاح «انقلاب صنعتی» را با موفقیت پشت سر بگذارند. موضوع توسعه اقتصادی بعد از انقلاب سال ۱۹۱۷ اتحاد جماهیر شوروی سابق بیشتر از نظر فلسفی و کلی مورد بحث قرار می‌گرفت. حال آنکه بعد از جنگ جهانی دوم، بویژه در سال‌های بعد از دهه ۱۹۶۰ جنبه حاد و سیاسی به خود گرفت و مسائل اقتصادی تنها مورد علاقه و توجه گروهی خاص که مسائل کلی و فلسفی را درک می‌کردند باقی نماند، بلکه عمومیت یافت و در هر گردهمایی از آن سخن به میان آمد بطوریکه این مسأله به صورت یک امر ضروری و حیاتی برای دولت‌ها درآمد و اصولاً دوام و تداوم حکومتها تابعی از موفقیت آنها در راه نیل به این مقصود به حساب آمد. به همین دلیل است که کشورهای در حال توسعه در راه دستیابی به توسعه اقتصادی به هر ابزاری روی می‌آورند که ایجاد «منطقه آزاد تجاری-صنعتی» یکی از این ابزارهاست.

۴- سرمایه‌گذاران خارجی با فرهنگ‌های نامتجانس و دور از ایران.

با اینکه از تصویب قانون چگونگی اداره مناطق آزاد (۲۱/۰۶/۱۳۷۲) بیش از پانزده سال نمی‌گذرد و هنوز فرصت زیادی باقی است تا راه کارهای مناسب یافت و توسعه پایداری را برای این مناطق ممکن و یالاقل محتمل گرداند. چند خط اصلی می‌توانند محورهای فرهنگی این راه کارها را مشخص کنند:

الف) شناساندن کارکرد و رسالت واقعی چنین مناطقی به مردم، از طریق آگاه ساختن آنها به وضعیت، چگونگی اداره و نتایج مثبت و ثمرات کوتاه، میان و درازمدت فعالیت مناطق مشابه در سایر کشورها.

ب) آگاه‌سازی مسئولان و مدیران کشور، بویژه در حوزه‌های درگیر با این مناطق نظیر گمرک، با مکانیسم طبیعی اداره چنین مناطقی از طریق شفاف ساختن هرچه بیشتر ساختارها و عملکرد مناطق به منظور تأثیرگذاری بر روند تثبیت قوانین و ضوابط و تضمین اجرای درست و پایدار آنها.

ج) افزایش پیوندها و فرایند تأثیرگذاری مثبت بر پیرامون نزدیک، بکارگیری نیروی کار بومی و تقویت و آموزش نیرو برای ایجاد یک حوزه حمایت طبیعی از توسعه مناطق.

د) ایجاد جاذبه‌های توریستی- بازرگانی با تأکید و اولویت دادن به فرهنگ‌های متجانس و نزدیک به فرهنگ کشور، و در عین حال تلاش برای ایجاد یک الگوی فرهنگی خاص این مناطق که با الگوی عمومی کشور تضادی نداشته باشد، بلکه نکات مثبت آن را به حداکثر و نکات احتمالاً منفی را به حداقل برساند.



نتیجه کاهش قیمت تمام شده کالاهای ساخت داخل و افزایش امکان صادرات آن به خارج گردد.

- کاستن از میزان بیکاری در اقتصاد ملی؛ فعالیت‌ها و خدمات انجام شده در یک منطقه آزاد همچون انبارداری، بسته‌بندی، حمل و نقل و توزیع کالا، بانکداری، بیمه، تولید و مونتاژ کالا و انواع دادوستدها و خدمات جانبی، مولد درآمدهایی هستند که در نهایت بخشی از آن به کشور میزبان و از جمله نواحی مجاور منطقه آزاد انتقال می‌یابد.

- ارتقاء کیفیت تولیدات داخلی به منظور صادرات؛ قیمت تمام شده کالاهای صنعتی و کیفیت و بسته‌بندی کالاها از روی نمونه‌های مرغوب و رایج در منطقه آزاد می‌تواند الگوبرداری شده و جهت صدور تولیدات داخلی مورد استفاده قرار گیرد. تأثیر جریان توسعه در مناطق محروم مجاور مناطق آزاد؛ توسعه اقتصادی در بلندمدت، همچون ظروف مرتبط سبب ایجاد فعالیت‌های جدید بویژه در شهرهای اطراف منطقه آزاد می‌شود. ایجاد اشتغال و درآمدهای جدید با اثر تکاثری خود می‌تواند اقتصاد راکد مناطق محروم‌تر را به تکاپوی تازه سوق دهد و سطح فعالیت‌های اقتصادی این مناطق را بالا ببرد. در نتیجه اقتصاد ملی و منطقه‌ای چه بصورت مستقیم و چه غیرمستقیم از ایجاد منطقه آزاد و گسترش فعالیت‌های صنعتی- تجاری در آن منتفع می‌گردد و به سطوح بالاتری از تولیدات و مبادلات خارجی گام می‌گذارد (رضوی، ۱۳۷۶: ۵۴).

- ایجاد امکانات لازم برای رشد صنعت توریسم و جذب جهانگردان داخلی و خارجی؛ اکثر مسافرت‌ها به مناطق آزاد با مقاصد تجاری و بخاطر ارزان بودن کالا نسبت به پایتخت

جمهوری اسلامی ایران نیز یکی از کشورهای در حال توسعه است که به رغم برخورداری از منابع عظیم انسانی و اقتصادی، خصوصیات متنوع آب و هوایی و منابع عظیم معدنی و نفتی و همچنین جاذبه‌های توریستی بی‌همتا و آثار باستانی بی‌رقیب نتوانسته است مراحل دستیابی به توسعه مورد دلخواه و مطلوب دست یابد. تحولات اقتصادی جهان، تجربه کشورهای توسعه‌یافته امروزی در قرن نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم و نیز کشورهای تازه صنعتی شده طی سه دهه اخیر، نشان داد که تجارت خارجی می‌تواند محرک و عامل توسعه باشد، بخصوص در دنیای اقتصادی امروز که تغییرات و تحولات تکنولوژی به اندازه‌ای سریع و چشمگیر است که هیچ کشوری به تنهایی قادر به تولید همه چیز برای همه نیست و توسعه بدون همیاری و بهره‌گیری و دادوستد با دیگران ممکن نخواهد بود. از آنجا که یکی از راههای بسط تجارت خارجی، بکارگیری ابزار منطقه آزاد است، بسیاری از اقتصاددانان، استفاده از این ابزار را مفید تلقی می‌کنند، بویژه آنکه بکارگیری این ابزار می‌تواند عاملی جهت جلوگیری از شوکهای ناشی از مراحل انتقالی اقتصاد باشد و سیاست‌های داخلی را تا حد زیادی با تحولات اقتصاد جهانی هماهنگ ساخته و کارآیی اقتصادی را افزایش دهد.

مناطق آزاد از طرق زیر می‌توانند به توسعه اقتصاد ملی یاری رسانند:

- تأمین سریع مواد اولیه و قطعات مورد نیاز کارخانه‌های داخلی؛ سهولت و سرعت عمل در تأمین سفارش‌های داخلی می‌تواند سبب صرفه‌جوئی در هزینه تولید و در

هدف‌ها و راهبردهایی که برای ایجاد منطقه آزاد انتخاب می‌شوند باید کاملاً در راستای هدف‌ها و راهبردهای اقتصاد ملی قرار گیرند. چنانچه آمادگی لازم جهت پذیرش فلسفه وجودی منطقه آزاد در برنامه‌های ملی وجود نداشته باشد ایجاد این مناطق به تنهایی گره‌گشای مشکلات اقتصادی کشور نخواهد بود. منطقه آزاد مکانی برای توسعه فعالیت‌های گوناگون اقتصادی در انطباق با شرایط مناسب طبیعی، اقلیمی و اجتماعی از طریق پیوند نیروهای داخل یا بازارهای بین‌المللی است.

با توجه به نتایج حاصل از صادرات و واردات منطقه آزاد چابهار و دیگر مناطق آزاد کشور به این نتیجه می‌رسیم که عدم دسترسی به اهداف صادراتی به دلیل بودن یا نبودن امکانات بالقوه و جغرافیایی این مناطق نیست. از طرف دیگر، پرداخت تسهیلات و اعتبارات، تابع سیاست‌های دولت است. در عین حال، نبود بندر با آب‌خور و تجهیزات بندری مناسب، به وضوح قابل مشاهده است.

فهرست منابع

- ۱- اختری، عباسعلی (۱۳۹۲)، اقتصاد مقاومتی: زمینه‌ها - راهکارها، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۲- الوانی، مهدی و زهره دهدشتی شاهرخ (۱۳۷۳)، اصول و مبانی جهانگردی، تهران: معاونت اقتصادی و برنامه‌ریزی بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی.
- ۳- بکهیش، مهدی (۱۳۸۱)، اقتصاد ایران در بستری جهانی شدن، تهران: انتشارات نشر نی.
- ۴- بهبودی، داوود و بهزاد امیری (۱۳۸۹)، «رابطه‌ی بلندمدت اقتصاد دانش‌بنیان و رشد اقتصادی در ایران»، فصلنامه‌ی سیاست، علم و فناوری.

و سایر شهرهای ایران انجام می‌گیرد ولی قطعاً جهانگردان خارجی بخاطر ارزانی اجناس مسافرت نخواهند کرد، بلکه باید استعداد جاذبه‌ای توریستی را متناسب با خواسته‌ها و سلائق گردشگران خارجی شکل داد (البته در چارچوب ارزش‌های حاکم بر نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران)، تا انگیزه مسافرت را در توریست‌های خارجی بیشتر کرد و از این راه به درآمدهای ارزی (مشروع) دست یافت. علاوه بر موارد یاد شده سوابق کشورهای دیگر نشان داده است که آنها مناطق آزاد را همچون آزمایشگاهی جهت کسب تجربه تولید و بازرگانی بر مبنای اصول و ضوابط اقتصاد آزاد تلقی کرده و سیاست‌های خود را در جهت آن اصلاح و تعدیل کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

امروزه کشورهای متفاوتی اعم از توسعه‌یافته و در حال توسعه با توجه به ویژگی مناطق آزاد تجاری صنعتی برای دستیابی به هدف‌هایی نظیر توسعه اقتصاد ملی، جذب سرمایه‌های خارجی، استفاده از برتری‌های نسبی، ایجاد فرصت‌های شغلی، تربیت نیروی انسانی، افزایش درآمدهای ناشی از فعالیت‌های خدماتی، افزایش کارایی اقتصاد ملی، توسعه منطقه‌ای و تبدیل بخش‌های عقب‌مانده به قطب‌های توسعه، اقدام به ایجاد مناطق آزاد تجاری صنعتی نموده‌اند. به‌طور کلی اهداف و فلسفه شکل‌گیری مناطق ویژه در جهان را به‌صورت زیر بیان می‌کنند: جذب سرمایه‌های خارجی، ایجاد فرصت‌های شغلی جدید، کسب درآمد ارزی و افزایش صادرات، دستیابی به فناوری پیشرفته.



- ۵- رضوی، علی (۱۳۷۶)، «مناطق آزاد»، ماهنامه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نشریه مناطق آزاد تجاری- صنعتی.
- ۶- رهنورد، فرجاله (۱۳۸۹)، «جایگاه مناطق آزاد در برنامه‌ریزی منطقه‌ای ایران»، فصلنامه فرایند مدیریت و توسعه، شماره ۷۴.
- ۷- شاددل، آمنه (۱۳۸۶)، «تاریخچه و اهداف تأسیس مناطق آزاد تجاری-صنعتی ایران»، مجله بررسی‌های بازرگانی، شماره ۲۳.
- ۸- شاه بابای آشتیانی، امین و حسنی، مجتبی (۱۳۹۵)، اقتصاد جهادی: مروری بر تجربه اقتصادی جهاد سازندگی، تهران: انتشارات بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق (ع).
- ۹- ناظرمان، حمید و اسلامی‌فر، علیرضا (۱۳۸۹)، «اقتصاد دانش‌بنیان و توسعه‌ی پایدار (طراحی و آزمون یک مدل تحلیلی با داده‌های جهانی)»، مجله‌ی دانش و توسعه.
- ۱۰- صنوبر، ناصر و دیگران (۱۳۹۰)، «تأثیر محرک‌های نوآوری بر ظرفیت نوآوری شرکت‌های دانش‌بنیان»، فصلنامه‌ی سیاست، علم و فناوری.
- ۱۱- کامران، حسن (۱۳۸۱)، «علل توسعه‌نیافتگی مناطق آزاد ایران»، مجله تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۵.
- ۱۲- لطیفی، غلامرضا و امین آقایی، مهرناز (۱۳۸۵)، «تحلیل وضعیت مناطق آزاد ایران»، فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۲۳۱.
- ۱۳- نجفی، علی و عباسی، رسول (۱۳۹۰) «بررسی الگوی مناسب ساختار سازمانی شرکت‌های دانش‌بنیان»، فصلنامه تخصصی پارک‌ها و مراکز رشد.
- ۱۴- نوده فراهانی، اسماعیل (۱۳۹۴)، سه گفتار در باب اقتصاد مقاومتی، تهران: نشر معارف